

گونه‌شناسی تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای بر اساس فقه مقارن و

□ سید حسین خادمیان نوش آبادی *

چکیده

تحولات علمی در دهه‌های پیشین، موجب دگرگونی غیر قابل وصف در زندگی انسان شده است. دانش پزشکی، مانند سایر علوم، از آغاز حیات بشر، در حال پیشرفت بوده و در دوره‌های اخیر شاهد رشد و کشفیات آن با سرعت خیره‌کننده‌ای هستیم.

دانش فقه این ظرفیت را دارد تا مسلمانان را با رعایت حدود شرعی با این پیشرفت انطباق داده و همگام با نیازهای بشری متغیرهای ایجاد شده زندگی را در چارچوب حکم شرعی تبیین نماید. تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای در کنار ده‌ها عنوان دیگر از مسائل مستحدثه زندگی از مواردی است که فقهای اسلامی درباره آن اظهار نظر شرعی نموده‌اند.

این پژوهش در راستای پاسخ به این پرسش که: گونه‌ها و ادله جواز و حرمت تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای در فقه مقارن مستند به چه دلایل و بر چه اقسامی می‌باشد سامان یافته و با روش توصیفی-تحلیل و شیوه‌کتابخانه‌ای به این نتیجه رسیده است که فقه مقارن این ظرفیت را برای انطباق مسلمین با پیشرفت پزشکی در تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای و به بیان حکم شرعی آن با بهره‌مندی از منابع فقهی دارد و ادله فقهی که حکم بر جواز داده‌اند از استحکام بیشتری برخوردار بوده و مخالفین حلیت دلیلی بر اصل عمل تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای اقامه نکرده و دلایل آنان ناظر بر مقدمات مساله می‌باشد.

کلیدواژه‌ها: تلقیح مصنوعی، رحم اجاره‌ای، ناباروری، مادر جایگزین، کاشت نطفه، فقه مقارن.

مقدمه

بارورسازی نطفه و کاشت و پرورش آن در ظرف غیر طبیعی از راه غیر متعارف و معمولی، در متون اسلامی مانند قرآن مجید و روایات و فتاوی فقها، دارای پیشینه است. مثلاً جریان ناقه صالح در جریان قوم ثمود و خلق یک موجود زنده (شتر) در رحم مصنوعی (کوه)، (کلینی، کافی، ج ۸، ص ۱۸۶) و ورود نطفه مردی بعد از آمیزش با همسرش و انجام مساحقه زوجه با زن دیگر و ورود نطفه مرد به رحم زن دوم و باردار شدن وی و ... که در متون تفسیری و فقهایی مورد تحیل و حکم شرعی قرار گرفته است؛ (ابن براج طرابلسی، المهدب، ج ۲، ص ۵۳۵)، بزنگاه تامل برای طرح و بحث این گونه فروع فقهایی می‌باشد.

تلقیح مصنوعی (بارور سازی نطفه) و رحم اجاره‌ای، یک پیشرفت شگرف در علم پزشکی است که در آغاز قرن بیستم این نظریه به طور جدی توسط دکتر دانیل پتروش ایتالیایی مطرح و به سرعت توجه پژوهشگران پزشکی را به خود مشغول نمود تا این که در سال ۱۹۷۸م، در انگلستان اولین مولود از این طریق به دنیا آمد. (هاشمی شاهرودی، موسوعة الفقه الاسلامی، ج ۳۲، ص ۱۶۷).

این تحول حیرت انگیز در زندگی انسان و کشف بزرگ پزشکی از مسائل مستحدثه فقهی در شریعت اسلام نام گرفته است. بدین جهت فقهای مذاهب اسلامی با بهره مندی از منابع فقهی، در صدد تبیین حکم شرعی تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای برآمدند.

تعریف، مصادیق، فروض، ادله و احکام تلقیح مصنوعی، رحم اجاره‌ای، کاشت نطفه و ... معرکه آرای موافقان و مخالفان در مباحث فقهی شده است. برخی از فقهاء این عمل را به طور کلی حرام و بعضی آن را جایز و عده ای تفصیل قائل شده‌اند. در این نوشتار تعریف، مصادیق، ادله فقهایی و ... این عنوان تبیین و ضمن بیان نظرات و مبانی فقهی فقهای امامیه و اهل سنت به بررسی و تحلیل آن پرداخته می‌شود.

در این خصوص کتاب و مقالات مختلفی تدوین شده است مانند: «احکام و آثار اجاره رحم در فقه فریقین»، نگاشته رقیه قاهری، «بررسی فقهی - حقوقی تلقیح مصنوعی» تألیف محمد جواد فاضل لنکرانی، «رحم اجاره‌ای از دیدگاه حقوقی» نوشته ملیحه سادات حسینی

حجت آبادی، «بررسی تلقیح مصنوعی در نگاه فقهی»، تالیف محمد حسین ابراهیمی، و مقاله «رحم اجاره‌ای از دیدگاه فقه اهل بیت علیهم السلام و فقه اهل سنت» نگارش حسین علی لطفی. آن چه این پژوهش را با پژوهش‌های فوق و... متفاوت نموده است تبیین و گزارش جامع نظرات مراجع تقلید و بررسی منابع و ادله فقهای امامیه و اهل سنت و بیان مصادیق و اقسام موضوع و تحلیل جامع احکام و ادله فقهی تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای است.

کلیات و مفاهیم

اجاره

«اجاره» در لغت اسم است برای اجرت؛ به معنی جزای عمل، (طریحی، مجمع البحرین، ج ۳، ص ۱۹۹). دریافت در عوض کار. (الموسوعة الفقهية، ج ۱، ص ۲۵۲) گفته شده مصدر است، فعالة مصدر فاعل ككاتب كتابا و التاء في اجارة للوحدة؛ (استرآبادی، شرح شافية ابن حاجب، ج ۳، ص ۵۳). برخی اسم مصدر دانسته‌اند. (ابن منظور، لسان العرب، ج ۱، ص ۷۸) بعضی اجاره را به ضم همزه «أجاره» می‌خوانند. (حلی، تذكرة الفهاء، ۱۸، ص ۵). و در اصطلاح عقدی مفید برای تملیک منفعت بعوض است. بعضی از حنابله اجاره را عقد بر منفعت مباح معلوم که چیزی در برابر چیز دیگر گرفته شود برای مدت مشخصی از عین معلوم یا موصوف در عهده یا عمل معلوم به عوض مشخص؛ تعریف کرده‌اند. (عبدالناصر، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ج ۲، ص ۱۹۹) در ثبوت مشروعیت اجاره به معنای جواز وضعی و تکلیفی آن نیز اختلافی نیست. (هاشمی شاهرودی، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، ج ۱، ص ۲۴۹) و آن را عقد لازم دانسته و فقط از برخی فقها گزارش شده که اجاره را مشابه جعاله و شرکت دانسته و آن را نیز عقد جایز می‌دانند، (ابن رشد، بداية المجتهد و نهاية المقتصد، ج ۵، ص ۲۱۰- حلی، تذكرة الفهاء، ج ۱۸، ص ۶) و احناف فسخ اجاره را در حال عذر و... جایز دانسته‌اند، مانند کسی که مغازه‌ای را اجاره کند و دزد همه اجناس او را ببرد و یا آتش بگیرد. (مرغینانی، الهدایة شرح بداية المبتدی، ج ۶، ص ۳۳۳-۳۳۲)

شبهه تحریمی بدوی

یعنی شبهه در موضوع یا حکم وجوبی یا تحریمی، مسبوق یا همراه علم نباشد بدین معنا که مکلف در توجه تکلیف شرعی شک می‌کند و نمی‌داند آیا الزامی بر او هست یا خیر و علم اجمالی به ثبوت تکلیف نیز ندارد، (موسوعة اصول الفقه المقارن، ج ۴، ص ۲۳۲) مانند: شک در حرمت استعمال دخانیات. مشهور اصولی‌ها اعتقاد دارند شک بدوی در تکلیف بعد از جستجو و بررسی در مظان دلیل طبق روایت «رفع» مجرای اصل براءت است.

تلقیح مصنوعی - رحم اجاره‌ای

تلقیح، مصدر لَقِحَ یَلْقَحُ تلقیحا، یعنی قرار دادن اسپرم موجود نر (مرد) در رحم ماده (زن)، به گونه‌ای که بعد از قرار گرفتن در رحم و ترکیب اسپرم و تخمک، تکمیل مراحل مورد نظر از عمل لقاح محقق گردد. (فراهیدی، کتاب العین، ج ۳، ص ۴۷)

و در اصطلاح فقها، اگر چه پیش تر از واژه احبال در انسان استفاده می‌شد اما در چندین سال اخیر تلقیح مصنوعی رایج شده و مقصود از آن، کاشت نطفه در رحم از غیر طریق آمیزش، (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۶۲۰) فرآیند لقاح اسپرم جنس مذکر با تخمک جنس ماده به روشی غیر معمول طبیعی است و به تعبیر دیگر، ترکیب تخمک زن با اسپرم مرد در یک مکان مشخص (مصنوعی - غیر طبیعی) به مدت چندین ساعت و پس حصول نتیجه (لقاح تخمک) آن را در رحم زن (مادر جایگزین) قرار می‌دهند تا باردار شده و به طور طبیعی زایمان نماید و ممکن است تخمک بارور شده در رحم مصنوعی تا زمانی که جنین بدون رحم انسان در همان ظرف رشد کند، این کار ادامه داشته باشد تا به اتمام و زندگی عادی شروع شود. (صدر، ماورا الفقه، ج ۶، ص ۱۰)، روش باردار کردن جنس مؤنث بدون آمیزش جنسی و با استفاده از وسائل کمکی پزشکی است. (حسینی روحانی، فقه المسائل المستحدثة، ص ۱۷) به بیان دیگر مایع منی را به صورت گرم گرفته و در ظرف استریل قرار می‌دهند و سپس با سرنگ مخصوص بیرون می‌آورند تا در دهانه رحم زن قرار داده شود و اسپرم به سیستم تولید مثل نفوذ می‌کند و به محل انکوباسیون تخمک می‌رسد تا لقاح انجام شود. (مامقانی، فقه

المستحدثات، ص ۳۰۳). بنابراین نخست سلول تخم مادر واقعی و اسپرم مرد را به روش لقاح مصنوعی بارور می‌کنند و سپس حاصل (رویان) را به روش درون‌کاشت مصنوعی در داخل رحم مادر جایگزین، قرار می‌دهند. به تعبیر خلاصه: تلقیح مصنوعی یعنی، باروری صنعتی و غیر طبیعی به وسیله ابزار توسعه یافته صنعتی و پزشکی. (بابکی، تلقیح مصنوعی و احکام آن در آثار امام خمینی، ص ۷)

رحم اجاره ای

رحم محل تکون و رشد جنین در جنس مونث است و بارور سازی رحم با روش گرفتن نطفه مرد و تزریق آن به رحم زن یا ترکیب آن در بیرون از رحم و انتقال آن به رحم همسر جایگزین (زن دیگر) را رحم اجاره‌ای گویند. (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ج ۴، ص ۷۶) به تعبیر دیگر رحم اجاره‌ای قرار دادن تخمک بارور شده در رحم زنی دیگر در عوض اجرتی معین که بر آن توافق کرده‌اند. (صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، ص ۲۰) در واقع یک زن (مادر جایگزین) فرزند زوجی که امکان فرزندار شدن از طریق متعارف را ندارند، در رحم خود پرورش می‌دهد. یعنی منی زن و شوهر نابارور را گرفته و سپس آن را کشت می‌دهند و مقدمات بارور شدن آن را فراهم نموده. بدین روی برای رشد و تکامل رحم زن اجنبی را اجاره و آن را در رحم مادر جایگزین قرار می‌دهند و یا منی زوج را گرفته و با دستگاه در رحم زنی که رحمش را اجاره کرده‌اند کشت داده و تا تکامل جنین از آن مراقبت می‌کند.

لقاح تخمک

ممکن است مرد یا همسر وی علائمی داشته باشد که از رساندن اسپرم به اعماق واژن همسرش جلوگیری کند، بنابراین مجبور به لقاح مصنوعی می‌شوند. پس آب مرد را گرفته و دهانه رحم همسرش را با سرنگ مخصوص پر می‌کنند تا اسپرم قوی‌تر تخمک زن را بارور کند به صورت معمول این کار به دو صورت ذیل محقق می‌گردد:

نوع اول: تخمک و اسپرم متعلق به یک زوج لقاح می‌شوند و سپس در رحم مادر جایگزین

قرار می‌گیرد و مادر جایگزین در این مدت از این نطفه نگهداری می‌کند تا جنین تشکیل و متولد شود.

نوع دوم: اگر مادر اصلی توانایی بارداری به هیچ صورت نداشته باشد در این صورت، فردی که تخمک را اهدا می‌کند، رحمش را نیز در اختیار می‌گذارد. در این روش لقاح به روش درون رحمی انجام می‌شود و اسپرم مرد به صورت آزمایشگاهی وارد رحم زن می‌شود (فاضل لنکرانی، بررسی فقهی حقوقی تلقیح مصنوعی، ص ۱۴)

حکم تکلیفی و حکم وضعی

حکم، خطابی است که از سوی شارع می‌باشد که عبارت است از قوانین صادر شده از سوی خدای سبحان برای تدبیر و مدیریت صحیح زندگی انسان در ابعاد مختلف که به وسیله خطاب های شرعی کتاب و سنت برای انسان کشف می‌گردد خواه متعلق به شخص مکلف باشد خواه به افعال مکلف یا به چیزی که مرتبط با مکلف است. (ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، ص ۲۸۷)

حکم شرعی به اعتبار این که متعلق به فعل مکلف است یا به اعتبار قرار گرفتن چیزی به عنوان سبب و ... به دو قسم تقسیم می‌شود: حکم شرعی تکلیفی و حکم شرعی وضعی
حکم شرعی تکلیفی: یعنی حکمی که جعل شده و به افعال بندگان تعلق بالذات و بدون واسطه تعلق دارد و حکمی است که مستقیماً متوجه انسان است. (موسوعة اصول الفقه المقارن، ج ۴، ص ۷۹) به بیان دیگر عبارت است از خطاب شارع به طریق اقتضا یا تخییر یا وضع به افعال و اعمال مکلفین که شامل احکام و جوب، مستحب، کراهت حرمت، اباحه می‌شود. (هیئتو، الوجیز فی اصول التشریح الاسلامی، صص ۶۰-۵۵)

البته احناف فرض و کراهت تحریمی را از اقسام حکم تکلیفی شمرده‌اند. (موسوعة اصول الفقه المقارن، ج ۴، ص ۸۰) برخی اباحه را از اقسام حکم تکلیفی نمی‌دانند بلکه از اقسام حکم وضعی دانسته‌اند. (مختاری مازندرانی، فرهنگ اصطلاحات اصولی، ص ۱۲۵)
حکم شرعی وضعی: عبارت است از خطاب شارع که چیزی را به عنوان سبب یا شرط یا

مانع یا صحیح یا فاسد برای چیز دیگر قرار داده است که شامل سبب، شرط، مانع، صحیح، فاسد می‌شود. (هیتو، الوجیز فی اصول التشریح الاسلامی، صص ۶۰-۵۵) به بیان دیگر حکم تکلیفی انشایی است که به انگیزه بر انگیختن یا منع کردن و یا اجازه دادن صادر می‌شود و مستقیماً به افعال مکلف تعلق می‌گیرد و چون مصادیق آن به طور اغلب با مشقت و رنج همراه است حکم تکلیفی نام دارد و حکم وضعی هر حکمی که از طرف شارع وضع گردد و از اقسام حکم وضعی نباشد، حکم وضع نامیده می‌شود و به مستقیماً به افعال انسان تعلق ندارد و متضمن اقتضا و تخییر نیست مانند زوجیت، ملکیت و از آنجا که غالباً موضوع احکام تکلیفی هستند، حکم وضعی نامیده شده‌اند و منحصر در تعداد معین و خاص نیست. (ملکی اصفهانی، فرهنگ اصطلاحات اصول، ج ۱، صص ۲۹۳-۲۸۹)

منظور از حکم تکلیفی همان وجوب، حرمت، استحباب، کراهت و اباحه است که به احکام خمسسه تکلیفی معروف هستند، بر عکس احکام وضعی که از نوع امر و نهی و رخصت نیست، نظیر زوجیت، مالکیت، شرطیت و... (مختاری مازندرانی، فرهنگ اصطلاحات اصولی، ص ۱۲۴)

بیان اجمالی مساله

در حلیت ذاتی این که زوج شخصاً عمل تلقیح را با اسباب غیر طبیعی بر اثر اجبار انجام دهد هیچ گونه شک و اختلافی نیست و هیچ دلیلی بر حرمت آن وجود ندارد و نزاع بر سر تلقیح با آب مرد اجنبی و توسط فرد یا افراد غیر از زوج است. (موسوی، منهج الفقه الاسلامی فی المسائل المستحدثه، ص ۳۳۸)

این در صورتی است که شوهر از روند تزریق توسط سرنگ و... اطلاع داشته باشد؛ بنابراین اگر شوهر فرآیند کاشت را نمی‌داند یا توان و مهارت انجام آن را به هر دلیل ندارد، باید یک پزشک، دستیار یا موارد مشابه آن را انجام دهد. این معمولاً مستلزم این است که انژکتور (کسی که عمل لقاح را انجام می‌دهد) به واریسی عورت زن معطوف شود یعنی واژن (عورت) زنی که قرار است تلقیح مصنوعی روی او صورت گیرد و البته این حرام است و ممکن است نیاز به دست زدن به چیزی باشد که دست زدن به آن جایز نیست که حرام نیز

هست، از این رو تلقیح مصنوعی با نطفه شوهرش حتی توسط پزشک یا دستیار وی حرام است و جایز نیست.، مگر در مواردی که عدم فرزند دار شدن منتهی به ضرر و مفسده و خجالت و ... می‌گردد. (مامقانی، فقه المستحدثات، ص ۳۰۴) بنابراین این فرع فقهی که از مسائل مستحدثه است، از دو منظر باید مورد بررسی فقهی قرار گیرد:

۱. از نظر حکم تکلیفی که مشخص شود آیا این عمل جایز است یا ممنوع
۲. از نظر حکم وضعی که باید مخص گردد، فرزندی که از این طریق متولد می‌شود، آیا از جهت نسب به والدین طبیعی خود ملحق است یا این که ملحق نمی‌شود و آیا ارث می‌برد و ...

تبیین مساله

اگر زوج فاقد فرزند بوده و پدر و مادر نشده باشند (اصلاً فرزندی از خود نداشته باشند) و از نظر روحی و روانی از فقدان فرزند به حدی دچار خجالت شوند که معمولاً در بین عقلای محل زندگی قابل تحمل نیست، و تنها راه پدر و مادر شدن رحم اجاره و تلقیح مصنوعی باشد و منحصر در «لقاح مصنوعی» شود، و این کار حتی اگر مستلزم به نگاه یا لمس حرام باشد و اگر بر اثر ترک تلقیح مصنوعی زوجین به عسر و حرج و ... بیفتند برای بچه دار شدن یک بار جایز و حرام نیست. بر اساس مقدمه بچه دار شدن که آرزویی حلال و عملی جایز است و لذا مقدمه آن نیز که مستلزم نگاه و لمس است نیز جایز و حرمت منتفی می‌شود.

اما اگر یک فرزند داشته باشند چه زن یا مرد، انجام یا تکرار آن حتی بعد از گذشت چندین سال جایز نیست. زیرا مساله عسر و حرج و میل فطری شرعی و ... دیگر صدق نمی‌کند. (مامقانی، فقه المستحدثات، ص ۳۰۴)

احکام تلقیح مصنوعی و رحم اجاره ای

در صورتی که تخمک زن شوهردار از محل تعیین شده خارج شود و مرد اسپرم خود را انزال کند یا قسمت‌هایی از اسپرم او خارج شود و تخمک زن با آن لقاح یابد. و این نطفه لقاح شده

در رحم مصنوعی قرار گیرد و در رحم مصنوعی رشد نموده تا شکل کامل پیدا کند و روح در آن دمیده شود، جنین به جنبش بیفتد و سپس به مرحله تکامل تمام و تولد رسید و یک فرزند کامل آیا این عمل جایز است؟ آیا نسب و سایر احکام آنها تنظیم شده است؟

فرزند حاصل از «تلقیح مصنوعی» از نطفه مرد با تخمک زنش، چون طبق عرف و شرع به دنیا آمده است، به آنها نسبت داده می‌شود. زیرا از آب آنها خلق شده و از زنا به دنیا نیامده است تا از ارث و سایر احکام شرعی مانند آن محروم شود، بلکه حکم او از نظر ارث و جانشینی مانند سایر فرزندان است. ممنوعیت ازدواج و زندگی مشترک از حیث استحقاق حضانت و از حیث الزام به انفاق و برقراری روابط معقول با طفل و بقیه حیثیات شرعی اعتبار داشته و مشروعیت دارد. (حسینی روحانی، فقه المسائل المستحدثه، ص ۱۸)

بنابراین از نظر حکم تکلیفی و وضعی روشن شده و در این قسم از مساله فرزند به والدین طبیعی خود منتسب بوده و همه احکام شرعی فرزند را از طریق نسب حلال دارا می‌باشد. این مولود که از راه بارور سازی تولد یافته با انسانی که از طریق طبیعی متولد شده است هیچ تفاوتی ندارد و همه امتیازات مانند ارث، امکان امامت جماعت، شهادت، قضاوت و... را دارا می‌باشد.

گونه‌های تلقیح مصنوعی

کاربردی نمودن تلقیح مصنوعی و چگونگی رحم اجاره‌ای به اقسام زیادی قابل فرض و تقسیم است اما معمول‌ترین آن در متون فقهی به شکل ذیل بیان شده است:

مردی که از او اسپرم گرفته می‌شود و در لقاح مصنوعی و رحم اجاره استعمال می‌شود:
۱. شخص شوهر ۲. مرد اجنبی متاهل ۳. مرد اجنبی مجرد ۴. یک مرد ناشناس ۴. مردی از محارم زن مانند برادر و... .

زنی که از او تخمک گرفته می‌شود و در تلقیح مصنوعی و رحم اجاره استعمال می‌شود:
۱. شخص همسر ۲. زن بیگانه متاهل ۳. زن بیگانه مجرد ۴. زن ناشناس ۵. زنی از نزدیکان و محارم مانند خواهر و... .

رحمی که در آن نطفه بارور شده کاشته می‌شود:

۱. رحم همسر ۲. رحم اجاره ای زن بیگانه متاهل ۳. رحم اجاره ای زن بیگانه مجرد ۴. رحم همسر دیگر من ۵. رحم اجاره ای یکی از محارم ۶. رحم مصنوعی ۷. رحم حیوان که متناسب با نطفه بارور انسان باشد مثلاً میمون و ...

شخصی که کار گرفتن و بارور نمودن اسپرم و تخمک را انجام می‌دهد:

۱. شخص زن ۲. شوهر زن ۳. یک زن (پزشک و ...) ۴. یک مرد (پزشک و ...) ۵. خود مرد ۶. همسر مرد از راهی غیر از آمیزش ۷. یک زن (پزشک و ...) ۸. یک مرد (پزشک و ...) البته نزدیک به هزار فرض دیگر در این مساله قابل احتمال است، اما معمول ترین آن احتمالات پیش گفته می‌باشد. (صدر، ماوراء الفقه، ج ۶، صص ۱۲-۱۳)

نکات قابل توجه در تلقیح مصنوعی

۱. گرفتن منی مرد از طریق غیر شرعی مانند استمنای حرام که حرمت شرعی دارد
۲. نگاه و لمس عورت و فرج در خلال گرفتن تخمک و ... که برای غیر شخص و همسرش، جایز نیست.
۳. وارد کردن منی اجنبی در رحم زن بیگانه، همچنین منی محارم.

نظرات فقها در خصوص تلقیح مصنوعی و رحم اجاره ای

فقهای امامیه

امام خمینی رحمته الله

وارد کردن منی مرد اجنبی در رحم غیر همسر جایز نیست چه با اذن و رضایت باشد و چه زن شوهر داشته یا فاقد شوهر باشد. و اگر منی مردی را در رحم زن اجنبیه وارد کنند و معلوم شود بچه از آن منی است، اگر این کار به طور شبهه بوده مثل این که گمان کردند رحم زوجه همان مرد است، و زن نیز خیال کرده منی شوهر خودش است، و بعداً متوجه اصل مساله شدند، اشکالی نیست که بچه شرعاً از این زوج باشد و تمام احکام فرزندی را دارد ولی اگر از روی

علم و عمد باشد محل اشکال است. و باید در جمیع مسائل احتیاط مراعات شود البته مرد و زن نمی‌توانند با این مولود ازدواج کنند و سایر محارم نیز همین حکم را دارند اما در تمام مسائل دیگر احتیاط رعایت شود. (توضیح المسائل، ص ۵۸۹، مساله ۲۸۷۷-۲۸۷۴) و در صورتی که جنین به صورت علقه یا مضغه و یا بعد از دمیدن روح به رحم زن دیگری منتقل شود، و در آن رحم رشد و پرورش یابد و متولد شود حکم مساله این است: چنانچه بعد از شکل گرفتن و دمیده شدن روح باشد، بدون اشکال کودک فرزند زن اولی است و همچنین اگر از رحم وی به رحم مصنوعی انتقال یافته، در آن اشکال است مگر این که ثابت شود نطفه مرد و زن اولی منشا کودک بوده است در این صورت کودک به آن زن و مرد ملحق می‌شود، خواه به رحم طبیعی منتقل شود یا به رحم مصنوعی. (تحریر الوسیله، ج ۴، ص ۴۷۵، مساله ۱۰)

آیت الله خوئی رحمته الله

سوال: مردی نطفه خود و همسرش را در رحم یک اجنبی و نامحرم که اجاره نموده است قرار داده و مبلغ را هم به زن تسلیم نموده حال بعد از متولد شدن زن صاحب رحم اجاره ای فرزند را مطالبه نموده است و خود را مادر طفل می‌داند حکم چیست؟

پاسخ: زنی که منی در رحم او قرار گرفته و بیچه را زاییده است، مادر شرعی طفل است، و طبق آیه ۲ سوره مجادله زنی که رحمش را اجاره داده حق حضانت بیچه را تا دو سال دارد و صاحب نطفه پدر شرعی فرزند محسوب می‌گردد و زن نازا مادر شرعی طفل نیست. (قاسمی، بانک استفتائات فقه پزشکی، ج ۲، ص ۳۴)

آیت الله تبریزی در خصوص این مساله همین نظر را دارند اما صاحب رحم اجاره ای را محق برای حضانت نمی‌دانند زیرا از طریق حرام زاییده و حضانت از طریق حرام انصراف دارد. (همان، ۴۱)

آیت الله فاضل لنکرانی رحمته الله

تلقیح نطفه زوجین در خارج از رحم مانعی ندارد و از مقدمات حرام باید اجتناب شود و

اگر تنها راه آن این است و سبب ایجاد خلل در زوجیت می‌شود مانعی ندارد و اجاره رحم صحیح نیست و تلقیح در رحم اجنبیه جایز نمی‌باشد ولی اگر فرزندی متولد شود به صاحب نطفه ملحق می‌گردد. (جامع المسائل، ج ۱، ص ۶۰۲، سوال ۲۱۰۷-۲۱۰۲) و تلقیح نطفه غیر چنانچه مستلزم مقدمات حرام باشد از قبیل نگاه جایز نیست و اگر مستلزم حرام نباشد، محل اشکال است و در صورت عقیم بودن مصلحت وی در بچه دار نشدن استولی اگر انجام شد، بچه ملحق به صاحب نطفه است. (جامع المسائل، ج ۲، ص ۴۸۸، سوال ۱۲۸۷-۱۲۸۴)

آیت الله صافی گلپایگانی رحمته الله

زنی که رحم او استعداد پرورش انسان را ندارد فتوا به جواز ترکیب نطفه شوهر او با تخمک همسرش و قرار دادن آن در رحم زن دیگر به شرط این که متوقف بر فعل حرام یا مستلزم آن نباشد و اگر استعداد مذکور را دارا باشد، چون این عمل با مصالح و نظامات تکوین و تشریح که مورد عنایت شارع مقدس است معارض و موجب تقویت و تضییع آن هاست احوط ترک این عمل است. (جامع الاحکام، ج ۲، ص ۵۲، سوال ۱۳۹۷-۱۳۹۴)

آیت الله خامنه ای

تلقیح زن از طریق نطفه مرد اجنبی و این عمل (رحم اجاره ای) فی نفسه اشکال ندارد لکن از لمس و نظر حرام اجتناب شود و طفل ملحق به زن و مرد صاحب نطفه است و نسبت به صاحب رحم در احکام شرعی مربوط به نسب احتیاط رعایت شود. (استفتائات، سوال ۱۲۷۵-۱۲۷۲)

آیت الله مکارم شیرازی

تلقیح نطفه مرد بیگانه به زن شوهردار جایز نیست و تلقیح نطفه شوهر اگر مستلزم نگاه حرام و لمس نامحرم نباشد در صورت ضرورت جایز است و ترکیب نطفه زوج و قرار دادن آن در رحم زن دیگر ذاتا اشکالی ندارد ولی چون اغلب مستلزم نگاه و لمس حرام است تنها در موارد

ضرورت جایز است و استفاده از نطفه بیگانه برای فرزند دار شدن جایز نیست و در صورت انجام طفل متعلق به صاحب نطفه است و به مادری که در رحم وی کشت شده محرم است ولی ارث نمی برد. (استفتائات جدید، ج ۱، ص ۴۶۴، سوال ۱۵۳۴-۱۵۲۷)

آیت الله سبحانی

هرگاه نطفه مرد با همسرش را در بیرون رحم تلقیح کنند و به خاطر این که رحم زن استعداد پرورش کودک ندارد از رحم زنی که شوهر ندارد به عنوان محل پرورش نطفه استفاده کنند اشکال ندارد و فرزند متعلق به زوجین است نه صاحب رحم اجاره‌ای و در صورتی جایز است که در مقدمات آن حرام صورت نگیرد. (استفتائات، ج ۱، ص ۳۱۸، سوال ۹۸۲)

اگر صاحب رحم اجاره‌ای شوهر ندارد، صاحب اسپرم، او را در مدت نگهداری جنین عقد موقت نماید، فرزند صاحب اسپرم و تخمک است اما نسبت به صاحب رحم اجاره‌ای در جریان ارث و مانند آن احتیاط مراعات شود. (استفتائات، ج ۲، ص ۴۱۷)

آیت الله شاهرودی

لقاح مصنوعی با اسپرم کسی غیر از همسر جایز نیست و اگر با نطفه مرد اجنبی و غریبه صورت گیرد، طفل متعلق به صاحب اسپرم و احکام نسب برقرار است. (استفتائات، ج ۱، ص ۴۲۷، پرسش ۱۵۳۲)

اهدای جنین (رحم اجاره‌ای) فی حد نفسه اشکال شرعی ندارد و از صاحب اسپرم و صاحب تخمک ارث می برد هر چند احتیاط در مصالحه بین زن صاحب رحم و مادر اصلی او (صاحب تخمک) می باشد. (استفتائات، ج ۲، ص ۴۸۶، پرسش ۱۳۱۳)

آیت الله سبزواری

تلقیح منی مرد به همسرش در صورت عدم ارتکاب عمل حرام، جایز است و در صورت ارتکاب عمل حرام در انجام این کار، فرزند حلال زاده بوده و تمام احکام فرزند مشروع بر آن مترتب است و اگر اسپرم مرد اجنبی شناخته شده را به زن بیگانه مجرد تلقیح کنند فرزند ملحق

به صاحب اسپرم و مادرش است هر چند این یک فعل زشت از سوی شارع اعلام شده است و اگر اسپرم مرد اجنبی ناشناس را به رحم زنی مجرد تلقیح کنند طفل به مادرش ملحق می‌گردد بنابر این فرض که او را زاییده است و اگر اسپرم مرد ناشناس را به زن شوهردار تلقیح کنند، طفل حلال زاده است اما ملحق به صاحب اسپرم نیست و اگر اسپرم مرد بیگانه شناخته شده را به زن شوهردار تلقیح کنند اما معلوم نشود که این حمل از فراش و آمیزش با شوهرش است یا بر اثر تلقیح، طفل متعلق به صاحب فراش (شوهر زن مستاجر) است. (موسوی سبزواری، مهذب الاحکام، ج ۲۵، ص ۲۴۷)

آیت الله سیستانی

تلقیح زن با منی شوهر جایز است و شوهر باید این کار کند اما در صورت ضرورت مثل این که عدم بچه دار شدن برای او موجب حرج و سرزنش دیگران است و راهی جز این وجود ندارد جایز است توسط غیر شوهر انجام شود و طفل متولد هیچ تفاوتی با مولودی که از راه طبیعی به دنیا می‌آید ندارد و اگر تخمک بارور شده زنی در رحم زن دیگری گذاشته شود و در آن جا رشد کند و فرزندی به دنیا آید، ملحق ساختن فرزند به زن اول وجهی دارد اما احتیاط ترک نشود. (مسلمی زاده، رساله ده مرجع، ج ۲، ص ۷۸۴، مساله ۶۹-۶۸). قرار دادن جنین در رحم زن دیگر اگر آن زن با مرد صاحب اسپرم محرم باشد، (مثل خواهر و ...) بنابر احتیاط جایز نیست و اگر محرم نباشد جایز است و البته نباید مستلزم لمس و نظر حرام باشد، مگر در موارد ضرورت و گرفتن نطفه مرد بیگانه اگر محرم نباشد و قرار دادن آن در رحم زن دیگر بعد از تلقیح جایز است، بنابراین اگر تخمک زن و اسپرم مرد هر چند نامحرم گرفته شود و تخمک با اسپرم در خارج از فضای رحم و مهبل بارور شود جایز است. (استفتائات، ص ۳۶۶، سوال ۴۵۴-۴۵۱)

آیت الله صدر

اگر نطفه مردی با تخمک همسر شرعی وی لقاح یافته و سپس در رحم زن اجنبی با وسایل پزشکی کاشته شود و زن حامل نطفه در برابر آن مبلغ معینی را دریافت نماید، زنی که نطفه را

در رحم دارد مادر شرعی طفل است و می‌تواند به مدت دو سال مولود را تحت حضانت خود قرار دهد و صاحب نطفه (مرد) پدر بچه می‌باشد اما همسر صاحب نطفه، مادر طفل نیست. و تمام احکام فرزندی از قبیل سببیت، نسبت، و... بر او مترتب است. (صدر، الصراط القويم مجمع مسائل و ردود، ص ۱۲۵)

فقه‌های اهل سنت

تلقیح مصنوعی اسپرم مرد به رحم همسرش شرعا جایز است و استخدام اسپرم اجنبی با تلقیح مصنوعی در رحم غیر همسر مرد حرام است و به معنای زنا است و واجب است برای جلوگیری از بارداری غیر شرعی احتیاطات لازم لحاظ شود. (زحیلی، الفقه الاسلامی و ادلته، ج ۴، ص ۲۶۴۹) اجاره رحم، جایز نیست و برای ثبوت نسب اختلاط ابتدایی منی زوج کافی است و اگر رحم اجنبیه (رحم اجاره‌ای) قرار گیرد طفل به منزله مرضعه بوده و مادر و پدر حقیقی آن بچه همان زوج صاحب اسپرم و تخمک هستند. (عبدالحق صاحب، فتاوی حقانیه، ج ۴، ص ۴۵۸)

حکم تکلیفی - وضعی

حکم تکلیفی: بارور سازی با روش استحصال اسپرم مرد و تزریق آن به رحم همسرش و یا ترکیب آن دو در بیرون رحم و انتقال به به رحم همسر جایز است ولی با نطفه اجنبی محل اختلاف و از نظر مشهور معاصران حرام است و برخی بر جواز انتقال آن به رحم همسر صاحب نطفه تصریح کرده‌اند و اسپرم مرد به رحم همسر دیگرش جایز و انتقال نطفه مرد به رحم مصنوعی نیز جایز است و اجتناب از مقدمات حرام لازم می‌باشد مگر در موارد ضرورت.

حکم وضعی: طفل حاصل از روش بارور سازی که از اسپرم و تخمک زوج باشد، از نظر مشهور ملحق به آنان است و از نظر برخی مادر را زنی که او را زاییده می‌دانند و تنها به مادر ملحق و مولود فاقد پدر است، و از نطفه اجنبی نسب مانند احکام پیش گفته است ولی اگر به گمان نطفه شوهر انجام گرفته طفل مولود به وطی شبهه می‌ماند و احکام فرزند بر او ثابت

است و در صورت آگاهی در مسائل ارث، محرمیت و ازدواج حکم به رعایت است. (هاشمی شاهرودی، فرهنگ فقه، ج ۲، ص ۶۲۲)

با دقت در فتاوی فقهای مذاهب اسلامی دانسته می‌شود:

۱. عقد اجاره در رحم مستاجر (زن بیگانه) باطل است چون معامله بر یک امر حرام واقع شده و زن مستاجر مستحق اجرت نیست
۲. زن صاحب رحم اجاره ای هیچ نسبتی با صاحب اسپرم ندارد و مساله طلاق، عده و ... منتفی است.

بیان و بررسی ادله قائلین جواز و حرمت

الف: جواز (حلیت)

قائلین به جواز به اصل برائت، قاعده عسر و حرج عدم وجود دلیل بر حرمت، عدم استناد به الغای خصوصیت، اصالة الحلیة می‌باشد که به شرح ذیل بیان می‌شود:

۱. تلقیح نطفه مرد به رحم حلیله خود جایز است و هیچ دلیلی بر حرمت آن نداریم زیرا از مصادیق شبهه بدوی تحریمی است و اصل برائت در باره آن جاری می‌شود.
۲. تلقیح اسپرم مرد به رحم اجاره ای (زن بیگانه) از مصادیق شبهه بدوی تحریمی است و برائت شرعی و عقلی جاری می‌شود.
۳. تلقیح تخمک زن به رحم زن نازا تا پس از آمیزش زن نازا با شوهرش فرزندی از این تخمک و منی به وجود آید با اتکاء به الغای خصوصیت به تنهایی نمی‌توان حکم به حرمت این قسم داد، زیرا ممکن است کاشت نطفه مرد اجنبی در رحم زن وضعیتی رخ دهد که در زمان نهادن نطفه شوهر وی یا زن دیگر در رحمش این خصوصیت به وجود نیاید.
۴. تلقیح اسپرم مرد به حیوان، اگر بدون مباشرت انجام شود نمی‌توان حکم به حرمت داد زیرا آیات و احادیث در خصوص انسان است و ظاهر روایات منصرف از غیر انسان است و چون موضوع حرمت انعقاد نطفه نیست بلکه کاشت اسپرم مرد در رحمی است که بر او حلال نیست و فرق میان انسان و حیوان معلوم است بنابراین در این خصوص هم نمی‌توان ادعای الغای

- خصوصیت را پذیرفت و در نتیجه مقتضای قاعده در این فرض مساله برائت است نه حرمت.
۵. تلقیح تخمک حیوان به رحم زن نازا تا بعد از آمیزش با شوهر، فرزندى از او متولد شود در این قسم نیز اصل برائت جاری است چون دلیل عام یا خاصی بر حرمت این فرع نداریم.
۶. تلقیح منی حیوان به رحم زن و پیدایش طفلی از این طریق، در باره این قسم هم دلیلی بر حرمت وجود ندارد و اصل برائت جاری است و چون انسان با حیوان تفاوت دارد، در خصوصیات نیز متفاوت هستند و نمی‌توان از طریق الغای خصوصیت حکم به حرمت داد و در این صورت گرفتار قیاس باطل خواهیم شد.
۷. تلقیح تخمک زن به رحم حیوان تا حیوان پس از جفتگیری با حیوان نر باردار شود در این صورت نیز اصل برائت جاری است و هیچ دلیل عام و خاصی بر حرمت وجود ندارد.
۸. کاشت نطفه بارور شده زوج در رحم همان زن یا همسر دیگر آن مرد، دلیلی بر حرمت وجود ندارد و اصل برائت جاری است زیرا موضوع روایات در صورت پذیرش آن قرار دادن نطفه مرد در رحم زنی که بر او حرام است بوده و شامل این فرض نمی‌شود.
۹. گرفتن اسپرم مرد و تخمک زن نامحرم، و قرار دادن آن در رحم زنی محرم یا نامحرم یا در رحم همان زن و یا در رحم حیوان، از موارد محرمه نمی‌تواند باشد و دلیلی بر حرمت تشکیل نطفه از دو منی نداریم.
۱۰. گرفتن نطفه انسان و ترکیب آن با نطفه حیوان و کاشتن آن در رحم زن بیگانه یا محرم یا رحم حیوان که در این فرض نیز دلیلی بر حرمت نداریم و اصل برائت جاری است. (حرم پناهی، مجله فقه اهل بیت، شماره ۹، صص ۱۵۱-۱۳۶ و شماره ۱۰، صص ۱۶۷-۱۴۷)
۱۱. عقد اجاره رحم اجاره‌ای صحیح است و دلیل آن اصل صحت عقود و عمومات و اطلاق و عدم دلیل بر حرمت کاشتن نطفه است بنابراین گرفتن اجرت توسط زن مستاجر جاز است. (هاشمی شاهرودی، موسوعی الفقه الاسلامی، ج ۳۲، ص ۱۷۷)
۱۲. اصالة الحلیة، می‌تواند به عنوان دلیل عمده‌ای در جواز این عمل باشد، زیرا آن چه حرام است زنا است و زنا یعنی ادخال آلت مرد در فرج زن بدون حلیت این عمل برای زن و مرد، اما این عمل زنا محسوب نمی‌شود بلکه فقط انتقال نطفه است و هیچ دلیلی بر حرمت

انزال نطفه نامحرم در رحم نامحرم نداریم پس به مقتضای اصل حلیت و اباحه و براءت شرعیه که هم در احکام جاری است و هم به هنگام شک در موضوعات، اصل این کار حلال می‌باشد. (مکارم شیرازی، مشکلات مهم تلقیح مصنوعی، ص ۲۷)

ب: حرمت

فقه‌های اهل سنت و برخی از فقهای امامیه بنا به دلایل ذیل قائل به حرمت رحم اجاره‌ای هستند.

۱. اطلاق و عموم آیات قرآن

در قرآن آیاتی است که صریحاً ما را به حفظ فروج و عورت امر کرده است مانند آیه ۳۱-۳۰ سوره نور و آیه ۵۷ سوره مومنون و آیه ۳۵ سوره احزابو طبق روایات حفظ فرج یعنی آن را از غیر این موارد سه گانه نکاح به میراث، نکاح بلامیراث، نکاح به ملک یمین، (مشهدی، تفسیر کنزالدقائق، ج ۱۳، ص ۴۴۳) محفوظ دارند. و مساله مستحدثه فوق، از هیچ یک از اقسام سه گانه تصریح شده در روایت نیست و تعدی از آن سبب وقوع در گناه و معصیت است. (طبرسی، مجمع البیان، ج ۷، ص ۱۷۷) و حافظ فروج یعنی احتراز از ارتکاب هر نوع عمل حرام مرتبط با عورت مانند زنا و ... (طوسی، التبیان، ج ۸، ص ۳۴۱)

بنابراین با توجه به این آیات ارتکاب هر فعلی که با حفظ فروج از حرام منافات داشته باشد، تجاوز از حدود شرعی و معصیت است و با توجه به نبودن رابطه زوجیت، ارتکاب اعمالی که فاقد وجاهت شرعی است حرام بوده و جایز نیست و با توجه به این که در آیات قرآن تصریح شده است که فروج باید حفظ شود مگر در برابر ازواج و کنیزان و به موارد دیگری اشاره نشده است، بدین روی عدم تصریح و ذکر غیر موارد مصرح و عدم بیان متعلق حفظ، افاده عموم دارد و ترک تلقیح مصنوعی نیز از مصادیق حفظ فروج از حرام قرار می‌گیرد. بنابراین به مقتضای آیات قرآن، حفظ فرج به طور عموم و مطلق از هر حرامی واجب است خواه از طریق زنا، مساحقه، ورود نطفه غیر، تفخید، ابزار طبیعی، ادوات پزشکی و ...

همچنین با لحاظ مناسبت حکم و موضوع و دیگر قرائن موجود بدست می‌آید: مراد از

تحفظ فرج، حفظ از لمس و نظر غیر شوهر که شامل هر چیز از جمله اسپرم بیگانه و آلات پزشکی و... می‌شود. (فاضل لنکرانی، بررسی فقهی حقوقی تلقیح مصنوعی، ص ۹۰)

در این جا متعلق حفظ ذکر نشده همان گونه که اختصاص به مقاربت نیز ذکر نشده است و حذف متعلق مفید عموم است و مقتضی آیه لزوم حفظ عضو از هر چیز حرام است حتی تلقیح مصنوعی.

اشکال: ظاهر آیات لزوم حفظ فروج از غیر است اعم از مقاربت و نظر و... ولی دلالت بر تحفظ آن از سوی زن از خودش یا شوهرش ندارد و لذا خود زن یا شوهرش می‌تواند در آن تصرف کند ولو با وارد کردن آلات پزشکی و... که این ها مشمول آیات قرآن نمی‌شود. و لذا گرفتن اسپرم مرد اجنبی و سریز نمودن آن در رحم از طریق جسم سیال و... با دست شوهر یا غیر او حرام نبوده و از مصادیق آیات نمی‌شود و این آیات هیچ گونه ارتباطی با موضوع ندارد. (حسینی روحانی، فقه المسائل المستحدثة، ص ۱۸) مراد جدی در این آیات تحفظ فروج از زنا است نه لمس و نظر اجنبی. (مامقانی، فقه المستحدثات، ص ۳۱۷)

۲. نصوص روایی

روایاتی که تصریح بر حرمت و عذاب وارد نمودن نطفه در رحم غیر جایز دارد.

امام صادق علیه السلام فرمودند: بزرگترین عذاب در روز قیامت برای مردی است که نطفه خود را در رحم زنی که بر او حرام است قرار دهد. «إِنَّ أَشَدَّ النَّاسِ عَذَابًا يَوْمَ الْقِيَامَةِ رَجُلٌ أَقْرَنُ نُطْفَتَهُ فِي رَحِمٍ يَحْرُمُ عَلَيْهِ». (کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۴۱، باب الزانی، حدیث ۱)

امیرالمؤمنین علیه السلام از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل نموده‌اند:

هیچ گناهی در نزد خداوند بعد از شرک، بزرگتر از این نیست که مردی نطفه خود را از طریق حرام در رحم زنی وارد نماید. «مَا مِنْ ذَنْبٍ أَعْظَمَ عِنْدَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بَعْدَ الشَّرْكِ مَنْ نُطْفَةٍ حَرَامٍ وَضَعَهَا امْرَأٌ فِي رَحِمٍ لَا تَحِلُّ لَهُ». (نوری، مستدرک الوسائل، ج ۱۴، ص ۳۳۵، باب ۴، حدیث ۱)

روایات دیگری که مورد استناد قرار گرفته است، احادیثی است که از اختلاط انساب و از بین

رفتن نسب نهی فرموده است. امام رضا (علیه السلام) فرموده است: خداوند زنا را حرام کرده است، زیرا موجب فساد است، مثل قتل نفس، از بین رفتن انساب، ترک تربیت فرزندان، از بین رفتن ارث و دیگر موارد مشابه. «وَحَرَّمَ اللَّهُ الزَّانَا لِمَا فِيهِ مِنَ الْفُسَادِ مِنْ قَتْلِ النَّفْسِ وَذَهَابِ الْأَنْسَابِ وَتَرْكِ التَّرْبِيَةِ لِلْأَطْفَالِ وَفُسَادِ الْمَوَارِيثِ وَمَا أَشْبَهَ ذَلِكَ مِنْ وُجُوهِ الْفُسَادِ». (حر

عاملی، وسائل الشیعة، ج ۲۰، ص ۳۱۱ باب ۱ از ابواب نکاح المحرم، حدیث ۱۵)

وفق این گونه احادیث، هر عملی که سبب اختلاط انساب و نابودی آن شود نهی شده و مورد تنفر و غضب شارع قرار دارد و طبق اعتماد به حکمت عبادات و مقاصد شریعت، همان طور که یکی از علل تحریم زنا، اختلاط انساب است، پس با توجه به این حکمت‌ها آن چه که موجب اختلاط انساب شود مانند زنا حرام می‌باشد زیرا مبعوض شارع است، بنابراین تلقیح مصنوعی و رحم اجاره ای و مانند آن موجب اختلاط انساب و تشکیک در نسبت طفل با صاحب رحم اجاره ای (مادر جایگزین) و صاحب تخمک (مادر اصلی) و صاحب اسپرم می‌شود، و این مورد غضب و نفرت شارع است.

اشکال: ظاهر از این روایات مباشرت اجنبی در انجام این عمل است و ظهور در مقاربت دارد که متضمن عقاب و اجرای حد است و هیچ گونه دلالتی بر حرمت مطلق ندارد و استدلال به آن صحیح نیست. (حسینی روحانی، فقه المسائل المستحدثة، ص ۱۹) دارای ضعف یوده و سیاق کلام مربوط به زنا متعارف است نه هر گونه ارتباط و انتقال و ... استناد به این گونه روایات مخدوش و محل ایراد و اشکال است. البته قبول این روایات مستلزم این است که ما به حکمت شارع یقین داشته باشیم و اعتنا به حکمت را از منابع صدور حکم نیز بدانیم و ... یعنی باید بررسی شود: همان طور که علت معمم می‌تواند معمم باشد آیا حکمت نیز می‌تواند معمم باشد و سبب تعمیم ظهور خطاب به سایر موارد شود؟ و آیا حقیقتاً حکمت شارع از تحریم زنا، احتراز از اختلاط انساب بوده یا خیر؟

دانسته است که در تعمیم علت هم اشکال و اختلاف است چه رسد به معمم بودن

حکمت.

۳. سیره و طبع متشرعه

برخی بنا بر این که سیره اهل شرع بر عدم قبول نطفه اجنبی از سوی زن مومنه است و زن مومنه از نطفه اجنبی احتراز و تنفر دارد.

البته سیره متشرعه وقتی حجیت دارد که متصل به زمان معصوم علیه السلام و مستند به فتاوی فقها باشد و الا فلا

۴. مذاق شریعت و اتفاق اصحاب

رحم زن مال زوج است و او حق ندارد رحم را از اسپرم مردی که با او رابطه زوجیت ندارد پر کند و شارع به زن اجازه نداده تا رحمش را در اختیار مردی بگذارد که با او رابطه مشروع زوجیت ندارد. بنابراین تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای حرام و باطل است و از مذاق شریعت حرمت این عمل بدست می‌آید. (طباطبایی، مبانی منهاج الصالحین، ج ۱۰، ص ۲۵۴)

۵. اصالة الاحتیاط (علم بر حرمت دماء و فروج نزد شارع)

دانسته است که تکون ولادت مباح نیست مگر با اذن شارع و مجرد احتمال حرمت کفایت می‌کند تا ما از ارتکاب این گونه اعمال دوری کنیم.

شعیب الحداد نقل می‌کند «قال قلت لابی عبدالله ع رجل من موالیك یقرؤك السلام» مردی از دوستداران شما به شما سلام رسانده است «و قد آزاد أن یتزوج امرأة» می‌خواهد با زنی ازدواج کند «وقد وافقته» آن زن هم موافقت کرده است «واعجبه بعض شأنها» آن زن هم برای این مرد زن مناسبی است «وقد كان لها زوج فطلقها علی غیر السنّة» مشکل این است که این زن قبلاً شوهری داشته است آن شوهر آمده این زن را بغیر سنت طلاق داده است، یعنی آمده طلاق غیر شیعی داده است، یعنی مردش سنی بوده و این زن را طلاق داده است «و قد کره أن یقدم علی تزویجها حتی یستامرک» این مرد هم از موالیان شما است و می‌خواهد که از شما اجازه بگیرد و مشورت کند که با این زن ازدواج کند «فتکون انت تامره» از امام سوال می‌کند که شما امر می‌کنید؟ «فقال ابو عبدالله ع هو الفرج» حضرت فرمود این مسئله مسئله

مهمی است «و امر الفرج شدید و منه یكون الولد» از فرج ولد بوجود می‌آید «و نحن نحتاط فلا یتزوجها» ما احتیاط می‌کنیم با این زن ازدواج نکند. (حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹۳، ابواب مقدمات نکاح، باب ۱۵۷، حدیث ۱)

اشکال: این روایت در مقام عدم جواز نکاح به سبب مطلوبیت رعایت احتیاط است و آیا از این روایت استفاده می‌کنیم که امام علیه السلام می‌خواهد بفرماید ما در باب نکاح احتیاط می‌کنیم و احتیاط هم بوجوب شرعی مولوی واجب است یا خیر؟ که روایت گویای این مطلب نیست. ضمناً در خصوص اصالة الحلیة هم اشکالاتی وارد است که عمل به آن در این خصوص مستلزم لوازم عجیبی در پی دارد مانند مستلزم شدن به جواز انزال نطفه پدر در رحم دخترش یا نطفه برادر در رحم خواهر و ... (مکارم شیرازی، مشکلات مهم تلقیح مصنوعی، ص ۲۸)

۶. قیاس

فقه‌های اهل سنت و برخی از فقه‌های امامیه به جهت اختلاط انساب و تنفر شارع از این مساله، فتوای به حرمت داده‌اند زیرا در این صورت حقیقت مادر بودن برای جنین نامعلوم و مورد تردید قرار می‌گیرد و فقه‌های اهل سنت اختلاط انساب را با زنا قیاس نموده و به استناد قیاس این عمل را حرام می‌دانند. (قاهری، احکام و آثار اجاره رحم در فقه فریقین، ص ۶۲)

۷. بدعت

فقه‌های اهل سنت این عمل را یک نو بدعت دانسته که به سبب آن کشف عورت فرد غیر مریض محقق می‌شود. (همان، ص ۵۹)

۸. تشبیه به کفار

برخی فقه‌های اهل سنت این عمل را تشبیه به کفار دانسته و از ابدعات کفار شمرده و حرام می‌دانند. (همان، ص ۴۶)

اشکال: مساله اختلاط انساب از موارد حکمت حکم است نه علت آن تا بتوان به آن استناد نمود و نازایی نوعی بیماری و مریضی است و لذا کشف عورت بدون اضطرار واقع

نشده است و با توجه به پیشرفت علم می‌توان نسب اولاد را تعیین و وفق روایت «الولد للفراش و للعاهر الحجر»، (صحیح بخاری، ج ۲، ص ۳ و صحیح مسلم، ج ۴، ص ۱۷۱) بخاری و مسلم آن را نقل کرده‌اند طفل به صاحب اسپرم و تخمک تعلق دارد زیرا از الولد للفراش اختصاص و انحصار فهمیده می‌شود یعنی طفل به شوهر یا مالک کنیز تعلق دارد نه به فرد زناکار لذا وقتی در چنین موردی نسب مختلط نمی‌شود و طفل به شوهر تعلق می‌گیرد، در مساله تلقیح و رحم اجاره‌ای هم همین خصوصیت قابلیت جریان دارد و به طریق اهل سنت می‌توان قیاس نیز نمود و هر گونه تشبه به کفار حرام نمی‌تواند باشد و الا سوار شدن هواپیما، خودرو، قطار، استفاده از رایانه، تلفن همراه و... نیز باید حرام و بدعت باشد ضمن این که تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای یک فعل پزشکی و علمی است و تشبه به کفار شامل مسائل علمی و پزشکی نمی‌شود.

بیع تخمک

در خصوص خرید و فروش تخمک، اشکال نجاست وارد نیست، زیرا دلیلی بر نجاست تخمک زن نداریم، اما اشکال عدم وجود منفعت محلله عقلایی وابسته به این است که اگر به حرمت نظر دادیم پس منفعت محلله ندارد و مالیت آن با نهی شارع الغاشده است و در نتیجه خرید و فروش آن نیز باطل است، اما اگر قائل به جواز شدیم، و ملاک مادری را به صاحب رحم بودن بدانیم، منفعت بچه دار شدن جواز بیع تخمک می‌باشد و به هر حال اشکال عدم مالکیت نسبت به تخمک هم وجود دارد و لذا شایسته است گرفتن پول به جهت رفع ید از حق باشد (مرتضوی، تلقیح مصنوعی در آینه فقه، ص ۲۷۰)

نتیجه

با تامل در تعریف و ادله پیش گفته می‌توان نتیجه گرفت:

تلقیح مصنوعی و رحم اجاره‌ای یک مساله مستحدثه و در حال فراگیر شدن است و فقه اسلامی با توجه به جامعیت شریعت اسلام درباره آن اظهار نظر دارد و فقیه موظف است درباره

مسائل مستحدثه با توجه به زمان و مکان و ... حکم شرعی ارائه دهد . بنابراین تغییر احکام به جهت دگرگونی عادت ها جایز است مانند پول رایجی که در زمان ها و مکان های مختلف تغییر یافته‌اند و یا اوزان و وسایلی که با آن ها اشیا را محاسبه می‌کنند و اتلاف زوج در مهریه و نفقات و ... (ابن مکی (شهید اول)، القواعد و الفوائد، ج ۱، ص ۱۵۲) و با تامل در ادله حرمت و جواز تلقیح مصنوعی و کاشت نطفه بارور شده در رحم اجاره ای دانسته شد که مخالفان، دلیلی بر حرمت اصل این عمل اقامه نکرده بلکه با توجه به مقدمات و ... حکم به حرمت داده‌اند و انجام این عمل با خطاب شارع تعارض نداشته بلکه از آن جا که شارع تصریح به نفی عسر و حرج از مکلفین دارد، انجام این عمل برای زوج های نازا و ناتوان از فرزنددار شدن از باب نفی عسر و حرج و رخصت در این اضطرار و ... جایز می‌باشد و با توجه به اهمیت حرمت مومن و ماهیت شریعت سمحه و پیشرفت و دفع وهن جایگاه اسلام و زدودن توهم و اتهام به مسلمین در تقابل با دانش و پیشرفت و اهمیت استفاده از دانش پزشکی برای زندگی بهتر مانند سایر موارد، نمی‌توان مسلمین را از این پیشرفت دانش پزشکی محروم نمود و لازم است محذورات و موانعی که از سوی مخالفین جواز مطرح شده است را به صورت علمی و مطابق با نظر شارع بر طرف نمود.

کتابنامه

قرآن کریم.

استرآبادی، رضی الدین، (بی تا)، شرح شافیه ابن حاجب، بیروت، دارالکتب العلمیه
ابن منظور، محمد ابن مکرم، (۱۴۱۷ق)، لسان العرب، بیروت، موسسه التاریخ العربی
ابن رشد، محمد ابن احمد، (۱۴۳۱ق)، بدایة المجتهد و نهاية المقتصد، ایران، المجمع
العالمی للتقریب

ابن براج طرابلسی، سعد الدین ابوالقاسم، (۱۴۰۶ق)، المهذب، قم، جامعه مدرسین قم
بخاری، محمد بن اسماعیل، عبد العلی نور احراری، (بی تا)، صحیح بخاری، ایران، انتشارات
شیخ الاسلام احمد جام

بابکی، محمد، (۱۳۹۳)، تلقیح مصنوعی و احکام آن در آثار فقهی امام خمینی، قم، چاپ و نشر

عروج

حلی، حسن بن یوسف، (۱۴۳۳ق)، تذکرة الفقهاء، قم، موسسه آل بیت لاحیا التراث
حر عاملی، محمد بن حسن، (۱۴۳۸ق)، وسائل الشیعه، قم، موسسه آل بیت لاحیا التراث
حسینی روحانی، سید محمد صادق، (۱۳۸۳ش)، فقه المسائل المستحدثه، تهران، حدیث دل
حرم پناهی، محسن، (۱۳۷۶ش) مجله فقه اهل بیت، شماره ۹ - شماره ۱۰، قم
خامنه ای، سید علی، (۱۳۸۳ش)، رساله اجوبة الاستفتانات، تهران، امیرکبیر (چاپ و نشر بین

الملل)

زحیلی، وهبه، (۱۴۱۸ق)، الفقه الاسلامی و ادلته، دمشق، دارلفکر المعاصر
سبحانی، جعفر، (۱۳۸۹ش)، استفتانات، قم، موسسه امام صادق علیه السلام
سیستانی، سید علی، (۱۳۹۳ش)، استفتانات، مشهد، انتظار مهر
طریحی، فخرالدین، (۱۹۸۵م)، مجمع البحرين، بیروت، دارالهلل
فضل بن الحسن، طبرسی، (۱۴۱۲ق)، مجمع البیان، بیروت، احیا التراث العربی
طوسی، محمد بن حسن، (۱۴۰۹ق)، التبیان، ایران، مکتب الاعلام الاسلامی
طباطبایی قمی، سید تقی، (۱۳۹۴ش)، مبانی منهاج الصالحین، قم، انتشارات محلاتی

صدر، سید محمد، (۱۴۴۴ق)، ماوراء الفقه، نجف، دار الکفیل

صدر، سید محمد، (۱۴۴۴ق)، الصراط القویم مجمع مسائل و ردود، نجف، دار الکفیل

صافی گلپایگانی، لطف الله، (۱۴۱۹ق)، جامع الاحکام، قم، انتشارات حضرت معصومه علیها السلام.

صاحب، عبدالحق، (بی تا)، فتاوی حقانیه، پیشاور، مکتبه فریدیه

کباراساتید فقه الاسلامی، (۱۴۱۱ق)، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن (موسوعه جمال عبدالناصر)، قاهره، المجلس الاعلی للشؤون الاسلامیه

کلینی، الکافی، (۱۳۶۲ش)، فروع من الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه

فاضل لنکرانی، بررسی فقهی حقوقی تلقیح مصنوعی، قم، مرکز فقهی ائمه اطهار علیهم السلام

فاضل لنکرانی، محمد، (بی تا)، جامع المسائل، قم، مطبوعاتی امیر

فراهیدی، خلیل، (۱۴۰۹ق)، کتاب العین، قم، دارالهجره

قشیری نیشابوری، مسلم بن حجاج، (بی تا)، صحیح مسلم، بیروت، دار الکتب العلمیه

قاهری، رقیه، (۱۴۰۲ش)، احکام و آثار اجاره رحم در فقه فریقین، قم، مرکز نشر هاجر

قمی مشهدی، محمد، (۱۳۶۷ش)، تفسیر کنزالدقائق و بحرالعرائب، تهران، وزارت ارشاد

مامقانی، محمد امین، (۱۳۹۱ش)، فقه المستحدثات، قم، بوستان کتاب

ملکی اصفهانی، مجتبی، (۱۳۷۹ش)، فرهنگ اصطلاحات اصول، قم، عالمه

مجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامیه، موسوعة اصول الفقه المقارن،

مختاری مازندرانی، (محمد حسین، (۱۳۷۷ش)، فرهنگ اصطلاحات اصولی، تهران، انجمن قلم ایران

مرغینانی، علی بن ابی بکر، (۱۴۲۹ق)، الهدایة شرح بداية المبتدی، کراشی، مکتبه بشری

مرتضوی، سید محسن، (۱۳۹۹ش)، تلقیح مصنوعی، قم، بوستان کتاب

موسوی، محمد، (بی تا)، منهج الفقه الاسلامی فی المسائل المستحدثة، قم، بوستان کتاب

مکارم شیرازی، ناصر، (۱۳۹۴ش)، مشکلات مهم تلقیح مصنوعی، قم، انتشارات امام علی ابن

ابی طالب علیه السلام

_____، (۱۳۸۷ش)، استفتائات جدید، قم، امام علی بن ابی طالب علیه السلام

مکی عاملی (شهید اول). محمد بن جمال الدین. (۱۳۷۲ش) القواعد و الفوائد (قواعد فقه).

سید مهدی صانعی. مشهد. دانشگاه فردوسی

مسلمی زاده، طاهره، (۱۳۹۰ش)، رساله ده مرجع، مشهد، هاتف
مجمع العالمی للتقريب بين المذاهب الاسلامية، موسوعة اصول الفقه المقارن،
نوری طبرسی، میرزا نوری، (۱۴۰۷ق)، مستدرک الوسائل، قم، موسسه آل بیت
هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۳۹۴ش)، فرهنگ فقه، قم، موسسه دایره المعارف فقه
السلامی

_____، (۱۳۹۴ش)، استفتائات، قم، بنیاد فقهو معارف اهل بیت علیهم السلام
هیتو، محمد حسن، (۱۴۰۱ش)، الوجیز فی اصول التشریح الاسلامی، تهران، نشر احسان
هاشمی شاهرودی، سید محمود، (۱۴۳۶ق)، موسوعة الفقه الاسلامی المقارن، قم، موسسه
دائرة معارف الاسلامی
هیات کبار علماء الاسلام، (بی تا)، الموسوعة الفقهية، افغانستان، مکتب رشیدیہ.

